

خانم

شریعت رضوی

بسم الله الرحمن الرحيم

شما گفتید روزی فراخواهید رسید که کتابهای دکتر را جمع خواهند کرد و یایک کتاب پیدا نمیشود و من امروز متاسفانه این مسئله را تو جامعه می بینیم به دلیل اینکه معلمانی هستند که گواهند و میتونم و حاضر همرا بیاورم که در مدارس کتابهای شریعتی را جمع میکنند آقای — به عنوان وکیل در جنوب شهر تهران مامور حوضه جنوب که دارد بچهها را تربیت میکند و امور تربیتی به آنها درس میدهند و مسائل اسلام و عملاً به بچهها ثابت کرده که کتاب شریعتی را نباید بخوانند و دیروز یکی از معلمان مرادیده و میگوید کتاب (حسین وارث آدم) را دادیم به ایشان خلاصه کنند و این بچه، برادرش مسخره کرده و گفته تو که به شریعتی معتقد نیستی و داری میکوبیش چرا کتابش را خلاصه میکنی ؟ گفته مجبورم چون معلم گفته ولی من به دکتر شریعتی اعتقاد ندارم و دخترم را، بجرم اینکه مکتبی ممکنه در مدارس راه بیندازد استخداش نمیکند و میگویند —

شرطی باید در مدرسه درس‌دهی که‌نگویی من دختر شریعتی هستم و اگرهم پرسیدند نگویی که من هستم و به اسم مستعار چند ساعت در مدارس درس می‌دهد و شریعتی شناختن الان جرم شده و کتابهایش را از توی مدارس جمع میکنند و امام مکرر می‌فرماید که اسلام را شما صادر کنید، بوسیلهٔ یک‌به اصطلاح مکتبی یا نوشته‌های یا رسالتی چیزی صادر میشود، همانطور که پیام‌های امام را ترجمه میکنند و صادر میکنند همانطور هم کتابهای دکتر به‌زبانهای مختلف داره چاپ میشه و برای پخشش ما موندیم وزارت ارشاد ملی و وزارت فرهنگ و هنر، رادیو و تلویزیون و وزارت امور خارجه حاضر نیست ۴ تا کتابی که ترجمه شده و کسی دیگه پولش را داده بگیره پخش‌کنند، نخره از کسی که چاپ کرد، اول می‌گه من نمیتوانم این کار را بکنم و بعد می‌اد می‌گوید که شما چرا فقط کتاب شریعتی چاپ و ترجمه میکنید خوب این 'ذوق و سلیقه' ناشر این است که این کتاب را ترجمه بکند و بعد در ایران الان کتاب اسلام‌شناسی را که از این طرف که ما می‌بریم زیر چاپ می‌بینیم که از این طرف بررد آن کتاب می‌نویسند و همانطور که خودتان فرمودید طلاب بی‌نهایت به شریعتی علاقه‌مندند حاضر نشدند یکی اسلام‌شناسی در کتابفروشی‌هایش ببرند و کتابها را همه را جمع کردند و این خیلی عجیبه در حالیکه طلاب، من میدونم هم چقدر علاقه‌مندند برای اینکه عکاس محل ما گواه است که ۵۰۰ عکس، اینا آمدند یکجا سفارش دادند از دکتر و بهترین دلیل اینکه مردم واقعا به دکتر معتقد بودند از آغاز انقلاب بود، بدون اینکه هیچ تشکیلاتی تبلیغ کند برای دکتر شریعتی یک شعر برای دکتر می‌سرودند یکی برای امام یک عکس امام و امروز علاوه بر این که عکس شریعتی را هیچ‌جا نمی‌بینیم، علاوه بر اینکه مطالب شریعتی را هیچ‌جا بازگو نمی‌کنند، مگر اون مواردی که بدر دشمن می‌خورد که سروته نوار را بزنند و یک‌تکه آنرا در رادیو و تلویزیون بگذارند و علاوه بر این خانواده شریعتی که به فلان گروه نسبت داده میشود و همسر شریعتی که اصلا پاکسازی میشود در آموزش و پرورش، اسم بردن از

شریعتی در مدارس جنوب شهر جرم و بالای شهر هم کتابهایش را جمع میکنند و این کاری که شما میگوئید یکروزی به سر مردم خواهد آمد .
امروزه آمده است ، ولی میخوام ببینم اینها که حاکم بر سرنوشت ما هستند ، مقصر نیستند در این مسئله ؟

اینها دست مهم تر از همه دستها ، اینها ایند که الان کسی که رئیس ارشاد ملی کسیکه وزیر آموزش و پرورش کسیکه مسئول وزارت علوم هست اینها مقصرند و دکتر شریعتی که استاد تاریخ است یک صفحه از نوشته هایش را در تاریخ امسال نه گنجانیده اند .

دکتر شریعتی که تاریخ ادیان درس داده یک صفحه از کتابهای دکتر غیر از دو مطلب یکی (آری اینچنین بود برادر) و یکی هم (تمدن و هجرت) رادر کتاب جامعه شناسی و فارسی آورده اند و اینکه ما میبینیم اون چیزی که شما میفرمائید بلایی که بر سر ما خواهد آمد ، امروز آمده و من خودم خوب میبینم ، که کتاب چاپ کردند کتاب فاطمه فاطمه است ، امت و امامت ، حج ، و آری — و کتابهای دیگر و پول چاپش هم این آقای داده است ولی اصلا کتابها توزیر زمین مانده ما التماس میکنیم این کتابها که شما قدرت پخش دارید بگیریید بفرستید مجانی به اقصی نقاط دنیا هندوستان ، فیلیپین به کشورهای مسلمان دیگر بفرستید پولش را هم ندهید ، حاضر نیست بگیرد و کتابی که من با سرمایه خودم دادم چاپ کردند و هنوز در نیامده بر علیه اش کتاب نوشتند و بعد من میبینم اعلامه های بدین عنوان که بزرگترین عامل انحطاط فرهنگ ایران و بزرگترین ترویج کننده فرهنگ استعماری غرب در ایران دکتر علی شریعتی است

و بعد به روزنامه حزب تلفن میکنم که آیا این حرف درست است ، می-گوید بله . این هستش و این اعلامه زیر پوستهای حزب جمهوری اسلامی زدند و اینکه دارم با اسم میگویم برای اینکه شاهد من به آقای میرسلیم گفتم به آقای دکتر بهشتی ، به آقای اردبیلی گفتم و گفتم که همانطور که

شما میفرمائید این توطئه است که دوستداران شریعتی و مخالفین شریعتی را به جون هم بیندازند و از این میان بهره‌ای ببرند و شماها که دست‌اندر کارید باید برای این که اتهام این به شما میخورد و رفع اتهام بکنید باید یک چیزی بنویسید . (اقلا توروزنامه آنوقت نتیجه نوشتن این که تو روزنامه جمهوری اسلامی روزی که شهادت همسر من بود بجای اینکه تسلیت بگویند به من میگویند دوره شهبانوگری تمام شده و دوره ولیعهد بازی هم پایان رسیده !

شما میدانید که ما هیچ وقت ادعایی نکردیم و هیچ جا اسم مانیت ، عوض اینکه بمن تسلیت بگویند به من فحش دادند و اتهام فرقان بودن به پسر من دادند و من گفتم شما سند بیاورید اگر یک درصد هم باشد من حاضرم خودم پسر را افشا خواهم کرد و علاوه بر اینکه جوابی به من ندادند ، فحش هم دادند مطلبم را توروزنامه چاپ نکردند و شکایتم تو دادگستری موجود است که من کردم ، منتهی صدایش را در نیاوردیم ، اینکه فاجعه‌ای که شما میگویید میخواهد راه بیفتد ، راه افتاده است و اون خط سومی هم که میگویید باید ادامه بدهید ما داریم ادامه میدهیم ولیکن کسی ما را یاری نمیکند ! و در شرایطی قرار گرفتیم که من خودم بنام خواهر شریعت رضوی که در سال ۳۲ ، برادر من را کشتند ، من ۲۷ سال آرزو داشتم انقلاب پیروز بشود و بزرگترین ضربه‌ها را هم خانواده ما خورده است چه بخاطر برادرم و چه بخاطر همسر من که خود میدانید لزومی ندارد که من بگویم ما بجای اینکه سربلند باشیم من دستم قطع است چه در زمان شاه من در جنوب شهر اقلا از ثروتمندان و پولداران ، پول می‌گرفتم و یواشکی کتاب پخش می‌کردم این دفعه من اصلا نمیتوانم یک دفعه در مدرسه ظاهر بشوم به دلیلی که من تو مدرسه رفتم ، از مدرسه عوض اینکه بگویند دستت درد نکند منوبیرون کردند و به مدیر کل گفتم آقا بفهمی ، نفهمی خیلی محترمانه منو پاکسازی کردید و میگوید خانم دکتر چه کسی میخواهد میان ما را بهم بزنه نه این حرفها چیه ؟ ولی من میدونم یک دونه کار از سال تحصیلی نداشتم من حقوق می‌گرفتم و وجدانا در مقابل حقوقی که میگیرم

خودم را مسئول میدونم ، برای همین است که در مقابل برای جنگ زده ها
کار میکنم ولی اینها حتی یک کار هم به من مراجعه نکردند و مثل من
معلمهایی هستند که صداهایشان در حلقوم خفه خون شده و نمیتوانند
حرف بزنند و دلها پراست و دسترسی به هیچکس هم ندارند
مادرهایی بودند که دیروز ، پریروز آمدند شکایت میکنند که چقدر ما
شکجه دیدیم در داخل زندان ها ، به چه کسی بگوییم ما اصلا وقتیکه
فریاد میزنیم ، چه کسی است ما رایاری بکند .

من از پدر شما واقعا شکایت دارم پیش خدای خودم بعنوان یک خواهر
شهید زن یک شهید برای اینکه چرا یک دفعه هم ما را پشتیبانی نمیکنند آخر
چرا یکبار ما را پشتیبانی نمیکنند من ۱۶ سال است شب و روز هر وقت
خوابیدم خواب دیدم که برادرم میگوید من زنده هستم چه کسی میگوید
من مرده ام و من از اون زمان آرزوی رفتن شاه را داشتم من روزی که گفتند شاه
مرده است هیچ دردم انگیزه ای بیدار نشد ، هیچ ، مثل اینکه هیچ کاری
نشده ! و دلم پراز خون هست و من کسی هستم که بیان دارم و هم قدرت دارم
هم پشتیبانی مردم را دارم اون بدبختهایی که مثل من خواهر شهید هم
هستند زن شهید هم هستند این همه در بیمارستان ها دارند جان
میدهند ، صدایشان هم (به هیچ جانمیرسد) بخاطر خدا شما رحم کنید و
ببینید ، شما یک جلسه بگذارید من با پدر شما صحبت بکنم که بگویم من
واقعا شبها داخل این اطاق گریه میکنم و حتی بچه های من هم شاهد
گریه های من هم نیستند ولی میبینم که چه زجری به این خانواده حکم
فرما است . تازه یک خانواده ای هستیم که وقتی خودمان را ارزیابی میکنیم
نسبت به بقیه شهدا واقعا کاریمون نشده است و کسانی هستند که سرپر-
ستان را از دست دادند خانواده شان ، هم توسری میخوردند هم لگد
میخوردند هنوز هم دستهای میشکند بخا . ظلم ، چه بسا که خودشان

نمونهٔ شاهد وزنده هستند که با شما حرف میزنند ولی انقلاب کسه
دگرگون میشود، همانطور که فرمودید از توجه در آمدیم افتادیم توجه
ولی اقل راهی نشانمان بدهید که باز در یک چالهٔ گودتر نیفتیم.
آن راه سومی که شما میگوئید درسته ما هم داریم خط سوم را پیش
میگیریم ولی باید کسی ما را تقویت بکند.